



تهی شدن دین از ابعاد اجتماعی، با مبنا قرار گرفتن نیازهای روانی در تعیین قلمرو آن

در برخی از رویکردها دین به منبع ارضای نیاز روانی انسان تعریف می‌شود، در صورتی که با مبنا قرار گرفتن نیازهای روانی، دین به یک امر کاملاً شخصی بدل می‌شود و لذا از ابعاد حکومتی و اجتماعی تهی خواهد شد.

در برخی از رویکردها دین به منبع ارضای نیاز روانی انسان تعریف می‌شود، در صورتی که با مبنا قرار گرفتن نیازهای روانی، دین به یک امر کاملاً شخصی بدل می‌شود و لذا از ابعاد حکومتی و اجتماعی تهی خواهد شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالفضل ساجدی، دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) و مدیر قطب علمی فلسفه دین کشور، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به جریاناتی که در باب محدودسازی قلمرو دین سخن گفته‌اند، بیان کرد: جریانات روشنفکری چند مرحله را پشت سر گذاشته‌اند. بعضی فقط به نفی ولایت فقیه پرداخته‌اند، بعضی یک گام جلوتر رفته و از نفی حکومت در اسلام سخن گفته‌اند و برخی از آن وسیعتر، در نفی احکام اجتماعی در اسلام کوشیده‌اند.

ساجدی از پیشروی این افراد تا محدودسازی احکام فردی دین نیز سخن گفت و افزود: خود من در جلسه سخنرانی یکی از این افراد پرسشی را مطرح کردم مبنی بر اینکه آیا می‌توانیم معصومین(ع) را، صرف نظر از مسائل اجتماعی، در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی فردی، به عنوان افرادی معرفی کنیم که به بالاترین حد انسانی دست یافته‌اند و الگویی برتر برای انسان‌ها هستند؟ و پاسخی که سخنران به این پرسش داد، منفی بود.

صرف نیاز روانی نمی‌تواند تعیین‌کننده قلمرو دین باشد؛ چرا که عوامل مختلفی می‌توانند سبب شوند که ما، اصلاً، بعضی از نیازها را احساس نکنیم. همان طور که خود غربی‌ها، سال‌ها، به دلیل اشتغالشان به مسائل مادی، اصلاً نیاز به دین را احساس نمی‌کردند.

وی ادامه داد: در واقع این فرد معتقد بود که دین ناتوان از ارائه الگویی برتر است و نمی‌تواند بالاترین چیزها را، حتی در حیطه امور فردی درونی، یعنی در امور معنوی و اخلاقی، به ما بدهد. متأسفانه چنین افرادی در محدودسازی قلمرو دین بسیار جلو رفتند، به طوری که می‌توان گفت که چیزی از دین باقی نگذاشتند.

یکی از ادله برخی مدعیان دین حداقلی

دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) با اشاره به یکی از ادله این مدعیان دین حداقلی، عنوان کرد: یکی از ادله‌ای که چنین افرادی می‌آورند، این است که گفته می‌شود دین محدود به نیازهای خاص روانی انسان است و فقط برخی نیازهای خاص روانی را برآورده می‌کند.

ساجدی اظهار کرد: از نظر یکی از این افراد، اینکه کدام یک از مباحث نظری می‌تواند انتظارات ما را از دین سامان دهد و به ما بگوید که در دین چه بجوئیم و چه بخواهیم و از کمال دین چه بفهمیم، یکی مبحث نوع انتظار بشر از دین و یا گوهر دین است و دیگری نیز این مطلب است که ما فقط باید در اموری که نیاز روانی ما را برآورده می‌کند، به سراغ دین برویم و در سایر امور که غیر از مسائل روانی است، نباید از دین انتظاری داشت. در واقع ما فقط در خصوص مواردی که نیاز روانی ما جای دیگر برآورده نمی‌شود، باید به دین مراجعه کنیم و برای بقیه امور باید به سراغ علم و امور دیگر برویم.

وی افزود: بر این اساس، دین به منبع ارضای نیاز روانی انسان تعریف می‌شود که انسان‌ها ناچار باید برای برطرف کردن احساس کمبود و کاستی روانی و فشار درونی خود، به گونه‌ای خود را با آن مشغول کنند و این تنها در صورتی موجه است که این نیاز از سایر راه‌ها قابل تأمین نباشد، وگرنه بقیه نیازها را باید از طرق دیگر برآورده کرد.

مدیر قطب علمی فلسفه دین کشور با بیان اینکه در این صورت نیازهای روانی تعیین‌کننده قلمرو دین خواهند بود، تأکید کرد: در صورت مبنا قرار گرفتن نیازهای روانی، دین به یک امر کاملاً شخصی بدل می‌شود و لذا از ابعاد حکومتی و اجتماعی تهی خواهد شد.

حقانیت و نه نیاز روانی؛ ملاک تعریف دین و تعیین قلمرو آن

وی پاسخ قابل عرضه به این گروه از افراد را این دانست که ملاک ما برای تعیین تعریف و قلمرو دین فقط نیاز روانی نمی‌تواند باشد، بلکه ملاک ما باید حقانیت دین باشد.

ساجدی اظهار کرد: صرف نیاز روانی نمی‌تواند تعیین کننده قلمرو دین باشد، چرا که عوامل مختلفی می‌توانند سبب شوند که ما، اصلاً، بعضی از نیازها را احساس نکنیم. همان طور که خود غربی‌ها، سال‌ها، به دلیل اشتغالشان به مسائل مادی، اصلاً نیاز به دین را احساس نمی‌کردند و بعد از سال‌های سال که تحت فشار قرار گرفتند و برخی گروه‌ها، با تبلیغات فراوان، سعی کردند احساس کمبود روانی را به سمت امور مادی حرکت دهند، ولی در نهایت ناکام به سمت دین برگشتند، در حالی که مدت‌ها از این نیاز غافل بودند.